

ارزشها و ضد ارزشها

مهدی جعفری

چکیده

۱- یکی از مسائل و بخشهای مهم فلسفه، مبحث ارزش می‌باشد، بحث ارزش‌شناسی اهمیتی کمتر از دیگر مسائل فلسفه مانند هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و منطق و زیبایی‌شناسی ندارد و از قدیم‌ترین دوران تاکنون فلاسفه بدان پرداخته‌اند.

۲- یکی از موارد مهم اختلاف علم و فلسفه بحث ارزش‌شناسی است که در فلسفه از ارزشها بحث می‌شود، ولی در علم سخنی از ارزشها نیست.

۳- اهم مسائل که در بحث ارزشها، با آنها مواجه هستیم.

۴- برای طرح ارزشها در اسلام به چه مباحث و مقدماتی نیاز داریم.

واژه‌های کلیدی: ارزش، ارزش‌شناسی، ارج، خوب، بد، زشت و زیبا، باید، نباید.

مقدمه

آنچه تحت عنوان ارزشها و ضد ارزشها مطالعه می‌کنید، اجمالی است از یکی از مباحث مهم در فلسفه که متأسفانه کمتر بدان پرداخته می‌شود، صرف‌نظر از اختلافاتی که فلاسفه در تعریف فلسفه با یکدیگر دارند، لیکن مباحث ذیل را می‌توان به عنوان مهمترین مسائل فلسفه در زده‌همة آنها پیدا کرد و اهم آنها عبارت‌اند از:

هستی‌شناسی (Ontology)، شناخت‌شناسی (Epistemology)، منطق (Logic)، ارزش‌شناسی (Axiology)، زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر (Aesthetics)

اخلاق و مسائل ارزشی یکی از مسائلی است که اکثر فلاسفه از دیدگاههای مختلف بدان پرداخته‌اند و خود کانت اخلاق را از موضوعات مهم فلسفه شمرده، اسپینوزا نیز به اخلاق اهمیت فراوان می‌دهد. ارزش‌شناسی یک شعبه از فلسفه است که در آن به بحث از ارزشها و معیار و ملاک ارزشها می‌پردازد و درباره‌ی احکام و قضاوت‌های ارزشی و فرق آنها با قضاوتها و احکام علمی و فلسفی بحث می‌کند. بحث در خوب و بد و خوبی و بدی و زشت و زیبا و

زشتی و زیبایی، مورد پسند بودن و نبودن اشیاء و اعمال مربوط به ارزش‌شناسی است. نخستین کسی که نظریه‌ی ارزش را مطرح کرد، افلاطون بود که گفت: اعمال خوب هم دارای مثال عقلی می‌باشند و خدا که جامع مثل است، خیر مطلق نیز هست. ارسطو و اپیکوریان و رواقیان نیز مبحث ارزشها را در متافیزیک مطرح کردند، در کلام مسیحیت نیز سن توماس خیر مطلق ارسطویی را به معنای علت‌نهایی عالم و خدا تعبیر کردند و در فلسفه بعد از رنسانس نیز فیلسوفانی مثل اسپینوزا، کانت، هگل، لوتز، نیچه، برنتانو و دیگران به ارزش‌شناسی توجه کردند و درباره‌ی معنای ارزشها به بحث پرداختند (۱۴: ص ۲۲۵-۲۴۰).

مور، باتلر، جان دیوئی، چارلز استونسن و... نیز در باب ماهیت ارزشها، تحقیقاتی کردند (۹: ص ۴۵۱ - ۴۲۱). کتاب پرجم نیکولاهارتمان موسوم به اخلاق در سال ۱۹۲۶ در برلن منتشر شد. در نظر هارتمان علم اخلاق بخشی از نظریه‌ی عمومی مربوط به ارزشهاست. این کتاب تأثیر شلر و هرسرل را نشان می‌دهد (۱۱: ص ۹۹-۹۷).

خلاصه‌ی بحث

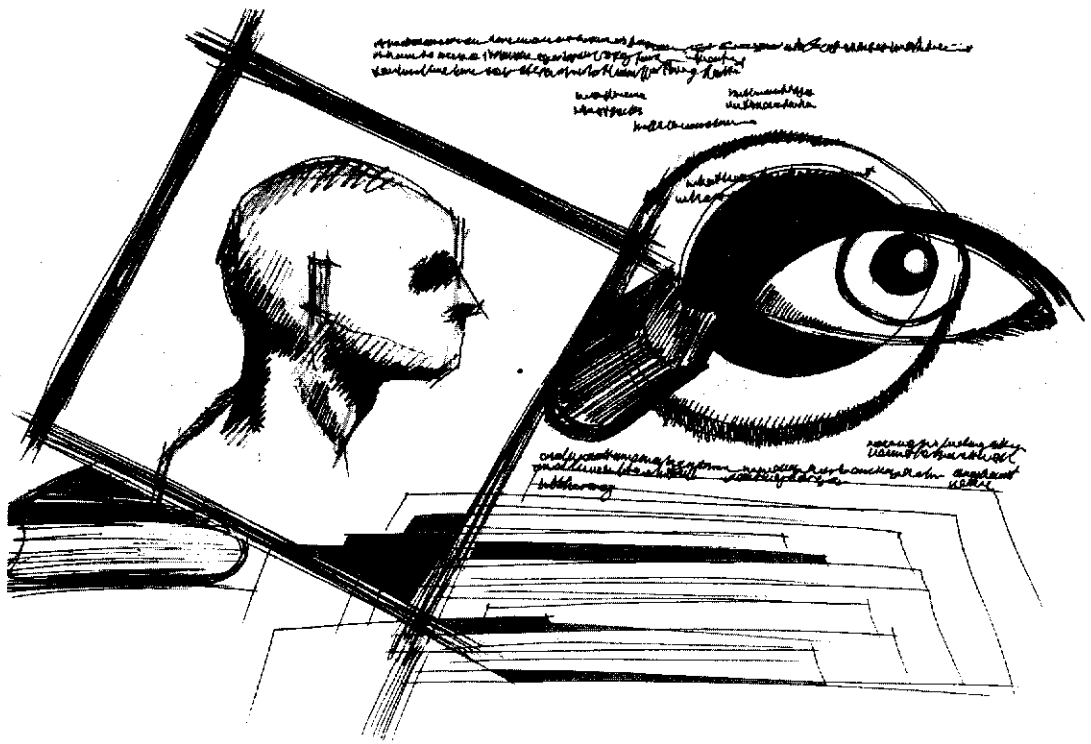
الف- یکی از مباحث مهم و اصلی در فلسفه، بحث ارزش‌شناسی و از این لحاظ می‌توان فلسفه را علم به ارزشها دانست.

ب- یکی از جنبه‌های اختلاف علم و فلسفه مبحث ارزش‌شناسی است که در فلسفه از آن بحث می‌شود ولی در علم سخنی از ارزشها نیست.

ج- رابطه‌ی ناگسستنی خدا و ارزشها

بدون توجه به خدا ارزش معنی ندارد و هیچ چیز هم ارزش ندارد، به عبارت بهتر منهای اعتقاد به خدا: ۱- ارزش معنی ندارد. ۲- هیچ چیز ارزش ندارد. (۱۴: ص ۲۴۰ - ۲۲۵)

د- یکی از راههای اثبات خدا از راه ارزش‌شناسی است، که از نظر کانت، می‌توان سه اصل بزرگ ذیل را از راه عقل عملی استنتاج کرد، او معتقد است که از عقل نظری نمی‌توان به حقیقت رسید (۷: ص ۲۴۵ - ۱۷۱).



ابعاد مختلف ارزشها

- درباره ارزشها مسائل مختلفی مطرح است که می‌توان آنها را به صورت زیر خلاصه و تبیین کرد.
- ۱- ماهیت ارزشها (تعریف ارزش، ارزش چیست؟)
 - ۲- طبقه‌بندی ارزشها (تقسیم ارزشها) ۳- انواع ارزشها
 - ۴- معیار ارزشها (میزان تشخیص) ۵- وضع متافیزیکی ارزشها ۶- عوامل مؤثر در تغییرپذیری ارزشها ۷- ثبات و تغییر ارزشها ۸- ماهیت قضایای ارزشی ۹- نظریات در باب ارزشها
 - ۱۰- ارزشها در اسلام (چگونگی تبیین ارزشها در اسلام)
 - ۱۱- نحوه پرورش ارزشها در فرد (نحوه پرورش شخصیت اخلاقی) ۱۲- وضعیت ارزشها در زمان ما (۸: ص ۱۲۰)

ماهیت ارزش

الف- ارزش چیست؟

ارزش نظری است که هر کس در باب خیر و یا شر بودن و زیبا و زشت بودن اشیاء و امور دارد. بدین معنی که هر یک از ما اشیاء و امور را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم برای هر شیء یا هر امریها و ارج و قیمتی قایل می‌شویم، امری را به نظر خود خیر و خوب و امری را شر و بد می‌دانیم، همچنین چیزی را زیبا و چیزی را زشت می‌انگاریم، هر امری را که خیر و زیبا بدانیم به نظر ما دارای ارزش مثبت و هر آنچه را که شر و زشت بشماریم به نظر ما دارای ارزش منفی است، بنابراین می‌توان گفت ارزش یعنی خیر و شر (خوبی و بدی) و زشتی و زیبایی. مسأله ارزشها از قدیم مورد توجه متفکران بوده است و فلاسفه از یونان باستان تاکنون بدان توجهی خاص معطوف داشته‌اند، اما طرح مسأله به عنوان موضوعی مستقل مربوط به قرن گذشته است (۹: ص ۴۵۱-۴۲۱).

- ۱- اصل وجود خدا (مبدأ)، ۲- اصل وجود آزادی انسان (اختیار)، ۳- اصل وجود جهان دیگر و بقای نفس (منتهی)
- ۴- در باب ارزشها مسائل گوناگونی و مباحث مختلفی است، که فهرست‌وار و به‌طور اجمال بر آنها مرور خواهیم کرد. یکی از مسائل مهمی که در طول تاریخ، اذهان فلاسفه را به خود مشغول داشته و پیوسته مورد بحث و نظر اندیشمندان بوده، مسأله ارزش است، اینکه ارزش چیست؟ و چه چیزی دارای ارزش است و یا مبنای آن چیست؟ اهمیتی کمتر از دیگر مسائل فلسفه ندارد و حتی برخی آن را در ردیف هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی قلمداد کرده‌اند.

بدون تردید ارزشها رکن اساسی زندگی انسان را تشکیل می‌دهند، انسان درباره واقعیتها فقط به اندیشیدن یا مشاهده کردن اکتفا نمی‌کند، نه تنها درباره آنها می‌اندیشد، بلکه آنها (واقعیتها) را ارزیابی هم می‌کند؛ آن چیزی که به حیات مایه می‌دهد و آن را به زندگی انسانی تبدیل می‌کند، ارزشها و آنچه با آنها همراه است می‌باشد (۱۵: ص ۱۰۴-۱۰۱).

ارزش‌شناسی مسأله ارزشها (Values) را مورد بررسی قرار می‌دهد، بسیاری از متفکران معاصر، وظیفه و کار فلسفه را به بررسی ارزشها محدود می‌کنند. مثلاً فردریش نیچه متفکر آلمانی عقیده دارد که فلسفه چیزی جز ارزش‌آفرینی نیست و فیلسوف راستین کسی است که ارزشهای تازه بیافریند و با ارزشهای کهن به پیکار برخیزد. اگر در این نظریه که کار فلسفه محدود به بررسی ارزشهاست تردید کنیم، در اینکه یکی از مسائل مهم فلسفه بحث از ارزشهاست تردید نمی‌توانیم داشت، چرا که فلسفه امور را با توجه به انسان می‌نگرد.

تعریف ارزش: «ارزش عبارت است از قدر و قیمتی که انسان برای اندیشه‌ها و اشیاء و امور پیرامون خود قایل است» دانشی که به مطالعه و بررسی انواع مختلف ارزشها از قبیل ارزشهای مادی و معنوی، مذهبی، علمی و فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و هنری و غیره می‌پردازد، ارزش‌شناسی یا اکیسولوژی نام دارد، که یکی از شاخه‌های فلسفه است (۱۵: ص ۵۹).

ارزش‌شناسی یک شعبه از فلسفه است که در آن به بحث از ارزشها و معیار و ملاک ارزشها می‌پردازد و درباره احکام و قضاوت‌های ارزشی و فرق آنها با قضاوتها و احکام علمی و فلسفی بحث می‌کند.

ب- نکات مهم در باب ارزشها

در مطالعه ارزشها و بحث درباره آنها به دو نکته باید توجه کرد.

نکته اول: این است که در مورد ارزشها باید بین سه چیز تفاوت قایل شویم:

اول- وجود یک شیء یا پدیده یا چیز واقعی که ارزش‌پذیر است چه در جهت مثبت و چه در جهت منفی.

دوم- خود ارزش که به شیء یا پدیده واقعی تعلق می‌گیرد، مثلاً فلان چیز خوب یا بد است، به این صفت (خوب یا بد) ارزش گفته می‌شود.

سوم- رابطه و واکنش ما در مقابل ارزشها، مثلاً اینکه ما چیزی را دوست داریم به دلیل خوب بودنش یا از آن خشمگین و متنفر هستیم به دلیل بد بودنش.

این سه مورد را نباید با هم اشتباه کرد، چون کاملاً متفاوت هستند، شیء حامل ارزش، خودارزش و نگرش انسان نسبت به آن ارزش.

نکته دوم: در باب ارزشها این است که تا آنجا که به خود ارزشها مربوط می‌شود، لااقل سه گروه بزرگ از آنها در قلمرو ذهن وجود دارند: ارزشهای اخلاقی، ارزشهای زیبایی‌شناسی، ارزشهای مذهبی (۵: ص ۵۸).

ج- ماهیت ارزشها

اصولاً ارزشها تحت تأثیر عوامل مختلف فرهنگی، عقیدتی، اقتصادی، سیاسی، علمی و طبقات اجتماعی یک جامعه است که فرهنگ و اعتقادات متافیزیکی در صدر آنها قرار دارد، درست است که علم و فناوری تغییرات اساسی در جامعه به وجود می‌آورند و محیط را دگرگون می‌سازند، ولی این فرهنگ و اعتقادات متافیزیکی جامعه است که علم و فناوری را جهت می‌دهد و تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد.

نتیجه تحقیقات به عمل آمده در قرن بیستم نشان می‌دهد که برتری و اعتقادات فرهنگی از هر عامل دیگری در تعیین ارزشها مؤثرترند، ولی این به آن معنی نیست که عوامل دیگر را نادیده بگیریم و فقط یک عامل را در تعیین ارزشها دخیل بدانیم. سایر عوامل مؤثر بر ارزشها عبارت‌اند از طبقات اجتماعی و اقتصادی، سیاست، تاریخ، نوع تعلیم و تربیت، خانواده، سن و سال، زمان، مکان و نقش فردی که بر یکدیگر تأثیر دارند، ولی همان‌طور که یادآور شدیم و تحقیقات علمی در قرن بیستم توسط مردم‌شناسان فرهنگی نیز مؤید آن است، تعیین‌کننده نهایی و کلی ارزشها صرف‌نظر از پیش‌داوری‌هایی که در این مورد وجود دارد، بیشتر فرهنگ جامعه و اعتقادات فرهنگی است (۱۵: ص ۵۹).

نظریات در باب ارزشها

در باب ماهیت ارزشها به‌طور کلی چهار نظریه وجود دارد:

الف- نظریه عینی (عینی‌گرایی) Objective

ب- نظریه ذهنی (ذهنی‌گرایی) Subjective

ج- نظریه رابطه‌ای (نسبی‌گرایی) Relativism

د- نظریه زمینه‌ای (عمل‌گرایی) Pragmatism

الف- نظریه عینی (عینی‌گرایی)

وقتی گفته می‌شود چیزی با ارزش است یا عملی اخلاقی است، باید دید آیا آن عمل در خود خصوصیتی دارد که آن را با ارزش می‌سازد یا اینکه طرز برخورد با آن سبب باارزش تلقی کردن آن چیز یا عمل می‌شود، دسته‌ای از فیلسوفان ارزشها را خصوصیتی که در اشیاء یا اعمال وجود دارند تلقی می‌کنند. به عبارت دیگر ارزش از نظر این دسته امری عینی یا خارجی است و در خود شیء یا عمل منعکس است، یک منظره زیبا یا تابلوی نقاشی وقتی باارزش تلقی می‌شود که خصوصیات معینی داشته باشد. این خصوصیات ممکن است به‌عنوان تعادل، هماهنگی، تناسب و وحدت اجزای یک شیء باشند و هر چیزی که در خود این‌گونه امور را منعکس کند باارزش فرض می‌شود، گاهی ممکن است خصوصیات تحت این عنوانها قرار بگیرند، ولی در عین حال شیء یا عمل معینی را مشخص سازند، دلیل طرفداران این دسته وجود آثار هنری یا اصول اخلاقی است که تقریباً برای اکثر مردم باارزش هستند، آثار نقاشان یا آهنگسازان معروف معمولاً برای عده کثیری باارزش فرض می‌شوند. همین‌طور پاره‌ای از اصول اخلاقی، مانند عدالت‌خواهی، سعه صدر، احترام به حقوق و آزادیهای فردی، خدمت به خلق، صلح‌دوستی و طرفداری از اصول دموکراسی خود به خود باارزش می‌باشند. عینی بودن

ارزشها سبب پیدایش میزانهایی می‌شود که مورد پذیرش همگان باشد. میزانهای تشخیص امور هنری یا اعمال اخلاقی، نیز جنبه عینی و عمومی دارند. به عبارت دیگر میزانها جدا از تمایلات افراد هستند و از روی آنها می‌توان ارزش هنری یا اخلاقی امری را تعیین نمود و از نظر این دسته این میزانها در اجتماعات و گروهها عمومیت دارند. به عقیده پیروان این مکتب قضایای ارزشی جنبه عینی داشته و قابل بررسی عقلانی می‌باشند.

ب- نظریه ذهنی یا شخصی

در نظر پیروان مکتب ذهنی‌گرایی، ارزشها ذهنی هستند. بدین معنی که ارزشها محصول تمایلات یا احساسات افراد بوده و این ذهن انسان است که آنها را می‌آفریند. و خیر و شر و زیبایی مستقل از اشیاء هستی ندارند و بدون وجود انسان ارزشها معنی نخواهد داشت و آنچه مورد علاقه یک فرد قرار گیرد برای وی با ارزش است. در نظر این مکتب، یک اثر هنری یا یک عمل اخلاقی در خود خصوصیتی ندارد، فرد با پیروی از تمایلات یا احساسات خود برای چیزی ارزش قابل می‌شود.

دلیل عمده این دسته اختلاف نظری است که میان افراد یا گروهها درباره اشیاء وجود دارد. گاهی دیده می‌شود، که فردی برای اثری هنری ارزش قابل است، در صورتی که همین اثر برای دیگری فاقد ارزش می‌باشد، عملی در نظر یک فرد یا یک گروه اخلاقی است و در نظر گروه دیگر جنبه اخلاقی ندارد. به طور خلاصه ارزش در نظر این دسته امری شخصی است و با تمایلات و عواطف فرد ارتباط دارد. برای این دسته میزانهای عمومی و عینی درباره امور ارزشی وجود ندارد و آنچه به صورت قضیه یا حکم درباره ارزشها صادر شود، بیان احساس یا میل فرد می‌باشد. و تنوع آرا در باب ارزشها، دلیل بر ذهنی بودن ارزشهاست. فیلسوفان مکتب اثبات‌گرایی و طرفداران مکتب تحلیلی، معتقدند که ارزشها دارای هستی واقعی خارجی نیستند.

ج- نظریه رابطه‌ای

این نظریه تلفیقی از دو نظریه ذهن‌گرایی و عین‌گرایی است، بنا بر مبانی نظریه رابطه‌ای یا نسبت، شیء خارجی و انسان در ارتباط با یکدیگر ارزش می‌آفرینند؛

به نظر طرفداران این نظریه، نظریه عینی به طور کامل قابل قبول نیست، زیرا اختلاف آرا و گروهها را درباره بسیاری از امور با ارزش نمی‌توان انکار کرد.

از طرف دیگر نمی‌توان نظر طرفداران ذهنی بودن ارزشها را نیز کاملاً منطقی تلقی کرد، زیرا بسیاری از اعمال

یا چیزها ارزش عمومی دارند و اکثر افراد می‌توانند درباره ارزش بودن آنها توافق کنند. بنابراین ارزش هم وابسته به خصوصیات شیء یا عمل است و هم با ذوق و تمایلات افراد ارتباط دارد. شیء یا عمل باید واجد خصوصیتی باشد و شخص نیز در تجربیات خود باید قدرت درک و گرایش خاص داشته باشد تا بتواند این خصوصیت را بفهمد. با توجه به این نظریه می‌توان وجود ارزشهای عمومی یا ارزشهایی را که مورد پذیرش همگان هستند توجیه کرد و در ضمن اختلاف آرای افراد یا گروهها را درباره پاره‌ای از ارزشها ممکن تلقی کرد.

یکی از مسائل مهمی که در طول تاریخ، اذهان فلاسفه را به خود مشغول داشته و پیوسته مورد بحث و نظر اندیشمندان بوده، مسأله ارزش است، اینکه ارزش چیست؟ و چه چیزی دارای ارزش است و یا مبنای آن چیست؟ اهمیتی کمتر از دیگر مسائل فلسفه ندارد و حتی برخی آن را در ردیف هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی قلمداد کرده‌اند.

د- نظریه عمل‌گرایی

این نظریه با عقاید جان دیوئی سازگار است و از آن به نظریه زمینه‌ای نیز تعبیر می‌شود. عمل‌گرایان معیار معروف خود را که عبارت است از اینکه «هر چه در عمل مفید افتد حقیقت دارد و ارزشمند است» در مورد ارزشها نیز به کار می‌برند.

جان دیوئی فیلسوف عمل‌گرای معاصر آمریکایی می‌گوید، به جای بحث از ذهنی بودن یا عینی بودن ارزشها و یا رابطه‌ای بودن آنها، باید از ارزش داشتن یا با ارزش بودن امور سخن گفت، به نظر این فیلسوف امری ارزش دارد که در زندگی عملی انسان مفید افتد و آدمی را در حل مشکلات زندگی یاری دهد. این نظریه را به گونه دیگر نیز می‌توان تفسیر نمود که به

زمینه‌ای تعبیر می‌شود. ارزش هر امری را در زمینه یا موقعیتی خاص مورد توجه قرار می‌دهد. در اینجا شیء، شخص و رابطه میان آنها در موقعیت معین مطرح می‌باشند. با ارزش تلقی کردن یک عمل وابسته به موقعیتی است که این شیء یا عمل در آن ظاهر می‌گردد. بنابراین فقط خصوصیت شیء یا ذوق و درک فرد یا ارتباط این دو با یکدیگر پایه و اساس ارزش را تشکیل نمی‌دهند. موقعیت یا شرایطی که شیء و فرد با هم برخورد دارند و نقشی که هر یک در آن موقعیت ایفا می‌کند، در با ارزش تلقی کردن آن شیء یا

قدرت درک فرد مؤثر است. به عبارت دیگر، خصوصیات یک شیء و ذوق و تمایل فرد در هر موقعیتی به صورتی خاص ظاهر می‌گردد. احتیاجات در هر موقعیت با مشکلاتی که فرد در وضعی خاص با آنها روبه‌رو می‌گردد و نقشی که شیء و تمایلات فرد در تأمین احتیاجات و رفع مشکلات دارند و وابسته به آن موقعیت است.

در اینجا مسألهٔ عمومیت میزان‌ها یا اصول اخلاقی به طرز خاصی مطرح است. میزان‌ها یا اصولی ممکن است در موقعیتهای مشابه به کار روند آنچه در یک موقعیت باعث موفقیت شده، در موقعیت مشابه نیز قابل اجراست. از طرف دیگر چون موقعیت در وضع ارزشها تأثیر دارد، اصول و میزان‌ها نیز در موقعیتهای به وجود آمده و با آنها بالنسبه با اعتبار یا بدون اعتبار تلقی می‌شود. (۹: ص ۱۵۷-۱۵۴ / ۷: ص ۱۷۹-۱۷۶).

اصولاً ارزشها تحت تأثیر عوامل مختلف فرهنگی، عقیدتی، اقتصادی، سیاسی، علمی و طبقات اجتماعی یک جامعه است که فرهنگ و اعتقادات متافیزیکی در صدر آنها قرار دارد.

طبقه‌بندی ارزشها (اقسام ارزشها)

ارزشها را از جهات مختلف تقسیم و طبقه‌بندی کرده‌اند:

دیدگاه اول برای طبقه‌بندی ارزشها

تا آنجا که به خود ارزشها مربوط می‌شود، ارزشها در سه گروه بزرگ جای می‌گیرند:

الف - ارزشهای اخلاقی، ب - ارزشهای زیبایی، ج - ارزشهای مذهبی.

ارزشهای اخلاقی از دو گروه دیگر شناخته‌ترند و صفت مشخصه آنها درخواست برای عمل است، زیرا آنها همیشه در بردارندهٔ مفهوم باید کرد هستند، نه مفهوم صرف باید بود، چنانکه در ارزشهای دیگر هست.

ارزشهای زیبایی شناختی مانند زیبایی، زشتی، ظرافت، زمختی، اصالت، لطافت، شکوهمندی و نظایر آنها نیز به خوبی شناخته‌اند، صفت مشخصه این ارزشها مفهوم باید بود است نه مفهوم باید کرد، مثلاً اگر کسی ساختمان زیبایی را ببیند به این امر نیز توجه دارد که این بنا همین‌گونه که هست باید باشد. این ارزش وجدان ما را درگیر نمی‌کند. پیش از همه ارزشهای اخلاقی مورد توجه فلاسفه قرار گرفته و ارزشهای زیبایی شناختی^(۱) کمتر مورد علاقهٔ فلاسفه است. (۵: ص ۸۶-۸۵).

دیدگاه دوم در تقسیم‌بندی ارزشها

ارزشها را از سه لحاظ می‌توان طبقه‌بندی کرد: الف - ارزشهای مورد تمایل انسان، ب - ارزش ذاتی و خارجی، ج - ارزشهای مطلق و نسبی
الف - ارزشهای مورد تمایل انسان: طبق این تقسیم آنچه برای انسان اهمیت دارد، یا مورد تمایل او است دارای ارزش است و آنها عبارت‌اند از:

۱- ارزشهای زیستی - مثل تمایل به حفظ جان، تمایل به آسایش، تمایل جنسی
۲- ارزشهای اجتماعی - مثل جاه‌طلبی، شهرت‌طلبی، سلطه‌جویی
۳- ارزشهای اقتصادی - مثل میل به مالکیت، میل به جمع‌آوری مال
۴- ارزشهای عاطفی - مثل محبت نسبت به فرزند، زن، پدر، مادر، دوست و...

۵- ارزشهای عقلانی - مثل دوستداری حقیقت، علاقه به کسب علم و...

۶- ارزشهای هنری - یعنی دوستداری ادبیات و هنرها (نقاشی، موسیقی و...)

۷- ارزشهای اخلاقی - مثل میل به امانت‌داری، تمایل به خدمت به مردم

۸- ارزشهای دینی - مثل احترام به رهبران مذهبی، علاقه به اجرای مراسم دینی و...

ب - ارزشهای ذاتی و خارجی: بعضی از امور ذاتاً ارزش دارند و برای خودشان مورد توجه قرار می‌گیرند. بعضی دیگر ذاتاً ارزش ندارند، بلکه به علت آنکه وسیلهٔ رسیدن به امر باارزش‌اند، ارزشمند انگاشته می‌شوند. اینها را به ارزشهای درونی یا ذاتی و ارزشهای خارجی یا ابزاری نیز تعبیر می‌کنند.

۱- ارزشهای درونی یا ذاتی (Intrinsic Values): اموری هستند که خود بالذات (خود به‌خود) دارای ارزش‌اند، مثل ارزش زیبایی یک گل یا یک منظره، ارزش فراغت و آسایش.
۲- ارزشهای خارجی (Extrinsic Values): این ارزشها که می‌توان آنها را ارزشهای ابزاری (Instrument Values) نیز نامید اموری هستند که بالذات ارزش ندارند، ولی وسیلهٔ وصول به امور باارزش‌اند مثل پول، لباس، کفش، خانه و امثال آنها که خود به خود ارزش ندارند، ولی چون موجب آسایش زندگی می‌شوند و وسیله فراغت هستند دارای ارزش خواهند بود.

این تقسیم در مورد ارزشها، نامهای گوناگون دارد. از جمله نامهای مشهور آن تمایز میان «وسایل و غایات» است. نکتهٔ اصلی این تمایز این است: پاره‌ای امور ممکن است به

مسأله تغییرپذیری ارزشها

در جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم همه چیز پیوسته در حال تغییر است، به طوری که ما هر روز شاهد پیشرفت یا تکمیل روشها و اختراعات و اکتشافات جدیدی هستیم، ولی این به معنای آن نیست که اساساً ارزشهای مطلق وجود ندارد. زیرا هر تغییری بر محور ثابت و بر مبنای اصولی مسلم قابل درک است وگرنه هیچ چیز قابل درک و تبیین نخواهد بود. به دیگر سخن ما برای درک تغییرات نیازمند ضوابط، ملاکها و معیارهایی هستیم تا به اتکای آنها تغییرات را توجیه و تبیین عقلی کنیم و آنها را دریابیم. در دنیا مفاهیمی از قبیل اصول مسلم عقلی یعنی حق و حقیقت و خیر و نیکی، ارزشهایی مطلق هستند. گرچه مصادیق آنها در دنیای محسوس، نسبی و تغییرپذیر بوده و به نوع جامعه و ارزشهای مطلوب آن بستگی پیدا می‌کند.

عوامل مؤثر بر ارزشها عبارت‌اند از طبقات اجتماعی و اقتصادی، سیاست، تاریخ، نوع تعلیم و تربیت، خانواده، سن و سال، زمان، مکان و نقش فردی که بر یکدیگر تأثیر دارند.

برخی از عوامل مؤثر در تغییرپذیری ارزشها عبارت‌اند از: سن، خانواده (نوع آن نیز اهمیت دارد)، جامعه، طبقات اجتماعی اقتصادی، زمان و تحولات اجتماعی و نیز مکان. الف - سن، در تعیین ارزش اشیاء و امور سن افراد عامل بسیار مؤثری است. ب - خانواده، خود خانواده و نوع آن (نظام گسیخته، استبدادی و خانوادگی که براساس آزادی معقول توأم با انضباط، اداره می‌شود و خانواده انسان‌سالاری) ج - جامعه و نوع آن د - طبقات اجتماعی، اقتصادی، ارزشها در نزد قشرهای محروم و قشرهای مرفه یکسان نیست. ه - زمان و تحولات اجتماعی، ارزشها به زمان و تحولات اجتماعی بستگی دارد. و - در مکان و موقعیت‌های مختلف نیز ارزشها یکسان نیستند. در هر حال تغییرپذیری ارزشها و نسبی بودن ارزشها براساس اصول مسلم و پایه‌های مطلق سنجیده می‌شوند. زیرا اگر ملاک و محور ثابتی برای سنجش و اندازه‌گیری ارزشها وجود نداشته باشد، چگونه می‌توان تغییرپذیری ارزشها را سنجید، بنابراین در صورتی که ارزشها را کاملاً نسبی تلقی کنیم و اصول مطلق و محورهای اساسی را کنار بگذاریم ضابطه و معیاری برای اظهارنظر و اصلی برای هدایت اعمال در اختیار نخواهیم داشت (ص ۷۰-۶۶).

خودی خود دارای ارزش نباشند، بلکه ارزش آنها به این دلیل باشد که ما را در رسیدن به هدفهای خاص توانا می‌سازند؛ برعکس، ممکن است اموری دیگر به خودی خود دارای ارزش باشند، اینها به قول فلاسفه «ذاتاً باارزش‌اند» ما آنها را با ارزش می‌دانیم نه برای آنکه ما را قادر می‌سازند که به چیزی دیگر برسیم، بلکه برای خود آنها، مثلاً ورزش ممکن است به خودی خود ارزش نداشته باشند، بلکه ارزش آن در این است که به وسیله آن ما سالم و تندرست خواهیم شد و سلامت امری است که فی‌نفسه دارای ارزش است. بر حسب این تمایز، ورزش یک وسیله دارای ارزش است، در حالی که سلامت به‌عنوان یک غایت با ارزش است.» (ص ۲۳).

ج - ارزشهای مطلق و نسبی: ارزشها را از لحاظ تغییرپذیری و تغییر ناپذیری به دو گونه تقسیم کرده‌اند، مطلق (Absolute) و نسبی (Relative).

۱- ارزشهای مطلق: مطلق یعنی امری که تغییر نپذیرد و دگرگون نشود و همواره در زمانها و مکانهای مختلف و نسبت به افراد مختلف یکسان و ثابت باشد. آیا ارزشها دارای چنین ثبات و اطلاق هستند؟ به نظر بعضی از متفکران پاره‌ای از ارزشها که با طبیعت و حقوق اصلی انسان سر و کار دارند، به‌طور مطلق باارزش‌اند، یعنی عوامل مختلف زمانی و مکانی و فرهنگی و اجتماعی آنها را دگرگون نمی‌سازد، مثل خوب بودن آزادی، دموکراسی، صلح، عدالت و بد بودن دیکتاتوری و اسارت و جنگ و ظلم، بعضی از متفکران قدیم به خیر و زیبایی مطلق عقیده داشتند، مثلاً افلاطون، او برترین مثال را خیر و زیبایی مطلق می‌انگاشت و خیر و زیبایی‌های این جهانی را پرتوی از آن می‌دانست. یکی از طرفداران افلاطون به نام ویکتور گوزن متفکر قرن نوزدهم فرانسه می‌گوید: اگر زیبایی مطلق را نپذیریم باید به زیبایی‌های نسبی، مثل زیبایی قدیم، زیبایی قرون وسطی و زیبایی جدید معتقد شویم و این امر نادرست می‌نماید.

۲- ارزشهای نسبی: تمام ارزشها، خیر و شرها، زیبا و زشت‌ها، در عمل نسبی می‌شوند و در شرایط مختلف دگرگون می‌گردند.

تأمل در باب مطلق بودن ارزشها: نظریه افلاطون گرچه از دیدگاه فلسفی و عرفانی قابل توجه است و شایسته تأمل، اما از دیدگاه علمی مردود است و با معیارهای تجربی سازگار نیست. از دیدگاه علمی و تجربی، علی‌رغم نظریه ویکتور گوزن، ارزشها در عمل نسبی است و نسبییت ارزشها به هیچ روی شکفت‌انگیز نیست. حتی متفکرانی که در روزگار ما بحث از مطلق بودن بعضی از ارزشها می‌کنند، عقیده دارند که این‌گونه ارزشها فقط در عالم نظر (فکر) مطلق است. در عالم عمل و تجربه همه چیز نسبی است و ارزشها نیز نسبی خواهند بود (ص ۱۷۴-۱۷۲).

پاره‌ای از اصول اخلاقی، مانند عدالت خواهی،
سعه صدر، احترام به حقوق و آزادیهای فردی،
خدمت به خلق، صلح دوستی و طرفداری از
اصول دموکراسی خود به خود با ارزش می‌باشند.

مقیاس ارزشها (Scale)

(میزان، معیار، جدول)

یکی دیگر از مسائل مهم در ارزش‌شناسی «مقیاس»
ارزشهاست (۲: ص ۸۴-۸۳).
از مسائل عمده علم اخلاق تعیین شأن و مقام هر ارزشی در
سلسله مراتب ارزشهاست (۱۱: ص ۲۰۴-۲۰۳).

تبیین منطقی قضایای ارزشی

درباره قضایای ارزشی نظر قضایای «عدالت زیباست،
راستگویی مطلوب است، وفاداری پسندیده است، صبر و
مقاومت ارزشمند است، پایداری رکن موفقیت است و...» و
اینکه آیا قابل بررسی علمی و دارای ارزش هستند یا نه؟ دو
نظریه مثبت و نظریه منفی داده شده است:

۱- نظریه منفی: برخی از متفکران خاصه فیلسوفان طرفدار
مکتب تحلیلی و اثبات‌گرایان منطقی عقیده دارند که قضایای
ارزشی فاقد ارزش علمی هستند، به نظر این متفکران
این‌گونه قضایا صرفاً بیانگر احساسات و تمایلات
گویندگان آنهاست و برخلاف قضایای علمی شناخت
تازه‌ای به انسان نمی‌دهد. اثبات‌گرایان منطقی قضیه‌های
ارزشی را از نوع جمله‌های انشائی می‌دانند و به همین جهت
معتقدند که این قبیل قضایا را همانند جمله‌های انشائی (۲)
نمی‌توان صادق (راست) یا کاذب (دروغ) تلقی کرد و هر
قضیه‌ای را که نتوان صادق یا کاذب تلقی کرد قابل بررسی
علمی نیست و ارزش علمی ندارد.

۲- نظریه مثبت: در مقابل نظریه منفی در باب ارزشها،
بعضی از متفکران عقیده دارند که قضایای ارزشی دارای
ارزش علمی هستند و به انسان شناخت تازه می‌دهند، به نظر
این گروه، علم در باب آنچه که هست دقت می‌کند. مثلاً علوم
فیزیکی ماده بی‌جان را همان‌گونه که هست مورد بررسی
قرار می‌دهند و روان‌شناسی، به رفتار انسان، چنانکه هست
توجه می‌کند در حالی که ارزش‌شناسی جزء علوم دستوری
است (۳) و مانند سایر علوم دستوری در باب آنچه که باید
باشد، به بحث و گفت‌وگو می‌پردازد. مثلاً اخلاق که یکی از
علوم دستوری است بحث می‌کند از اینکه، انسان چگونه باید
رفتار کند تا در زندگی خوشبخت و سعادتمند گردد. از

مقیاسه بین قضایای علمی و قضایای ارزشی این حقیقت
روشن می‌گردد که قضایای ارزشی نیز جنبه معرفتی داشته
و انسان را تا حدودی به واقعیت‌ها آشنا می‌سازد و شناخت
تازه‌ای به او می‌دهد.
نکاتی که از تحلیل قضایای ارزشی به دست می‌آید،
عبارت‌اند از:

۱- این‌گونه قضایا جنبه معرفتی دارند، یعنی اطلاعاتی را در
اختیار انسان قرار می‌دهند، البته نوع معرفت حاصل از
قضایای علمی با نوع معرفت حاصل از قضایای ارزشی
تفاوت دارند.

۲- قضایای ارزشی مانند قضایای علمی قابل بررسی علمی
یا عقلانی هستند.

۳- قضایای ارزشی آن‌گونه که طرفداران مکتب تحلیلی و یا
تحصیلی معتقدند، صرفاً بیانگر احساسات و یا نشان‌دهنده
آرزوها نیستند، زیرا در قضایای، تعلق دلیل فرومایگی است
و یا دروغویی نشانه ضعف شخص است و... نه تنها
احساسات را ظاهر می‌سازد، بلکه عقیده و طرز فکر را نیز
نمایان می‌سازد.

۴- نظام اخلاقی افلاطون، ارسطو و کانت و بنتام و
استوارت میل گواه آشکاری بر نفوذ قدرت عقلانی در تهیه و
تدوین قضایای ارزشی است.

۵- امور ارزشی (۴) و اخلاقی مانند امور طبیعی و اجتماعی
در زندگی آدمی نفوذ دارد. نقش ارزشها و واقعیت آنها را در
روابط افراد نمی‌توان انکار کرد هدف بسیاری از ادیان و
سازمانهای بین‌المللی تحکیم مبانی اخلاقی و ارزشهای
انسانی است (۹: ص ۱۶۲-۱۵۹ و ۷: ص ۱۷۹-۱۷۷).

تحلیل ارزشها در اسلام

دین اسلام دارای یک سلسله ارزشهای ماورائی و متعالی
الهی است و چون انسان را معجونی از دو عنصر خاک و
خدایی می‌داند، لذا برای آدمی دو وجود، یک وجود مادی و
دیگری وجود معنوی و الهی قایل است و به همین دلیل
نیازهای آدمی را به صورت معدل قوی و هماهنگ در
نظر می‌گیرد.

اسلام در تحلیل خود از انسان، ارزشهای مادی و دنیوی
را نفی نمی‌کند، ولی آنها را کافی هم نمی‌داند و معتقد است
که ارزشهای دنیوی وسیله‌ای است برای رسیدن به
ارزشهای اخروی (الدنيا مزرعة الآخرة) در نتیجه اسلام کار
دنیا را عبث و بیهوده نمی‌انگارد و به آن اهمیت می‌دهد، ولی
آن را مقدمه آخرت می‌داند، یعنی اسلام هم دنیاگراست و هم
عقبی‌گرا (۵).

گاهی دیده می‌شود، که فردی برای اثری هنری ارزش قایل است، در صورتی که همین اثر برای دیگری فاقد ارزش می‌باشد، عملی در نظر یک فرد یا یک گروه اخلاقی است و در نظر گروه دیگر جنبه اخلاقی ندارد. به‌طور خلاصه ارزش امری شخصی است و با تمایلات و عواطف فرد ارتباط دارد.

پی‌نوشت

منابع

- ۱- این بحث تحت عنوان ایستتیک (Aesthetics) زیبایی‌شناسی در فلسفه مورد بررسی قرار می‌گیرد.
- ۲- علمای علم معانی جمله‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کنند: خبری و انشائی
- الف - خبری: جمله‌های خبری جمله‌هایی است که محتمل صدق و کذب است و از واقعه و رویدادی بیرونی خبر می‌دهد، که ممکن است راست و یا دروغ باشد. مثل هواگرم است، علی از دانشگاه آمد و...
- ب - انشائی: جمله‌های انشائی جمله‌هایی است که محتمل صدق و کذب نیست و از وقوع واقعه یا رویدادی بیرونی خبر نمی‌دهد، جمله‌هایی که بر امر، نهی، استفهام، تمنی، دعا و... دلالت دارد، همه انشائی هستند.
- ۳- علوم را به دو دسته تقسیم می‌کنند، علوم توصیفی و علوم دستوری.
- بعضی علوم مانند روان‌شناسی، فیزیک، شیمی، جامعه‌شناسی را جزء علوم توصیفی قرار می‌دهند و علمی چون، اخلاق، زیبایی‌شناسی را جزء علوم دستوری قرار می‌دهند.
- ۴- در برخی از متون فلسفی، لفظ ارزش را برای مادیات به کار می‌برند و برای معنویات از لفظ ارج استفاده می‌کنند (۱۶: ص ۶۳۰).
- ۵- برای تبیین ارزشها در اسلام، طرح مباحث ذیل به عنوان مقدمه لازم است.
- الف - طرح جهان‌بینی توحیدی و مباحث اعتقادی و تبیین عقل و فطرت و امانت الهی به‌عنوان مبانی ارزشها در اسلام.
- ب - بحث از ایمان، تقوی، استقامت به‌عنوان اصول ارزشها در اسلام
- ج - بحث استقصای فضایل و رذایل شمار ارزشها اعم از کتاب و سنت به‌عنوان یکی از مسائل علم اخلاق در اسلام
- د - آنچه در مدینه آرمانی و جامعه اسلامی نیاز است و لزوم اشاعه و ترویج ارزشها
- ۱- ابراهیم‌زاده، عیسی. فلسفه تربیت، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۷۲.
- ۲- استرول آروم و ریچارد پاکین. کلیات فلسفه، ترجمه دکتر سید جلال‌الدین مجتوبی، انتشارات حکمت، ۱۳۶۰.
- ۳- استیس، والتر ترنس. گزیده‌ای از مقالات فلسفی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
- ۴- بابایی، عبدالله. ارتباط ارزشهای انسانی، (زمینه‌مقدماتی)، انتشارات دستان، ۱۳۷۲.
- ۵- بوختسکی، یوزف ماری. مقدمه‌ای بر فلسفه، ترجمه محمدرضا باطنی، انتشارات نو، ۱۳۶۱.
- ۶- جوادی، ذبیح‌الله. الفسای فلسفه، انتشارات ابن‌سینا، ۱۳۴۸.
- ۷- دادبه، اصغر. کلیات فلسفه، انتشارات پیام‌نور، ۱۳۷۲.
- ۸- دوکاسه پیر. فلسفه‌های بزرگ، ترجمه احمد آرام، انتشارات کتاب پرواز، ۱۳۷۰.
- ۹- شریعتمداری، دکتر علی. اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- ۱۰- شریعتمداری، دکتر علی. فلسفه (مبانی، مسائل، مکتبهای فلسفی)، انتشارات قائم، اصفهان، ۱۳۵۴.
- ۱۱- صانعی، منوچهر. فلسفه اخلاق در تفکر غربی، انتشارات دانشگاه ملی، ۱۳۶۸.
- ۱۲- مجله کیهان اندیشه، شماره ۷۷، انتشارات کیهان، سال ۱۳۷۷.
- ۱۳- مطهری، مرتضی. فلسفه اخلاق، انتشارات ۱۵ خرداد، دی‌ماه ۱۳۶۲.
- ۱۴- مینار. ال. شناسایی و هستی، ترجمه علی‌مراد داوودی، انتشارات دهخدا، ۱۳۵۱.
- ۱۵- نیکزاد، محمود. کلیات فلسفه تعلیم و تربیت، انتشارات کیهان، ۱۳۷۵.
- ۱۶- وال، ژان. بحث در مابعدالطبیعه، ترجمه یحیی مهدوی و همکاران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۰.
- ۱۷- هالینگ دیل. رج. میانی و تاریخ فلسفه غرب، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات کیهان، ۱۳۶۴.